

Evaluation of the Relationship between the Foreign Policy Function of the Islamic Republic of Iran and Aims of the 20-Year Vision Plan and Its Requirements

Abbas Hatami ^{1*} - Fatemeh Rezaee ²

Abstract

In the political economy of terrorism, the methods of financing terrorist groups have become increasingly important .

Using a comparative approach, this article seeks to answer the following questions : 1. What are the main sources of funding for ISIS and al-Qaeda?, 2. What are the similarities and differences between these terrorist groups in financing themselves ? And 3. Finally, what are the reasons for these differentiations and similarities ? Firstly, this article identified 14 sources of al-Qaeda and ISIS's revenue. Secondly, it showed that these terrorist groups had similarities in some areas, such as foreign financial support and hostage taking. Yet, in other cases, such as opium trafficking, antiques smuggling, oil and jewelry sales, bank robbery, their leaders' personal wealth, charities and taxation some distinctions live. Thirdly, we identified that their main similarity was the variety of ways in which they financed. Fourthly, we argued that the reason for tendency of these groups' to diversify their financial resource was the reduction of foreign assistance to these groups and the necessity of seeking private micro resources. It also facilitated the circumvention of national and international bottlenecks. Ultimately, it showed that some of the differentiated aspects of their funding were due to their different contexts and environments, as well as their distinctive political structure.

Keywords: Political Economy of Terrorism, ISIS, Al-Qaeda, Finance, Comparative Method.

1. *Associate Professor of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Corresponding Author: (A.hatami@ase.ui.ac.ir).

2. Ph.D Student of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran.



تحلیل تطبیقی شیوه‌های تأمین منابع مالی القاعده و داعش: رهیافتی در اقتصاد سیاسی تروریسم

عباس حاتمی^{۱*} - فاطمه رضایی^۲

چکیده

در اقتصاد سیاسی تروریسم شیوه‌های تأمین منابع مالی گروه‌های تروریستی واجد اهمیت بالایی دیده شده است. این مقاله با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای می‌کوشد به این سؤالات پاسخ دهد که عمده‌ترین شیوه‌های تأمین منابع مالی داعش و القاعده کدام‌اند؟ این شیوه‌های تأمین منابع مالی از چه جهاتی متمایز و از چه جهاتی مشابه هستند؟ نهایتاً دلایل این وجوه تمایز و تشابه چیست‌اند؟ مقاله اولاً ۱۴ منبع درآمدی القاعده و داعش را احصاء و شناسایی نمود. ثانیاً نشان داد گروه‌های تروریستی مزبور در برخی از حوزه‌ها مانند حمایت‌های مالی خارجی و گروگان‌گیری دارای وجوه تشابه و در سایر موارد مانند قاچاق تریاک و آثار باستانی، فروش نفت و جواهرات، تأسیس و دستبرد به بانک، ثروت شخصی رهبر، مؤسسات خیریه، مالیات ستانی و فروش ارزاق عمومی دارای تمایز بوده‌اند. ثالثاً مشخص ساخت که اصلی‌ترین وجه تشابه آن‌ها تنوع شیوه‌های تأمین منابع مالی آن‌ها بوده است. رابعاً استدلال نمود دلیل گرایش گروه‌های مزبور به تنوع منابع مالی نیز کاهش کمک‌های کلان دولتی به این گروه‌ها و لاجرم جستجوی منابع خصوصی خرد و همین‌طور امکان دور زدن تنگناهای وضع‌شده ملی و بین‌المللی بوده است. نهایتاً مشخص گردید دلیل برخی وجوه تمایز آن‌ها در تأمین منابع مالی نیز بستر و محیط متفاوت حوزه عمل آن‌ها و همین‌طور ساختار سیاسی متمایز آن‌ها بوده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد سیاسی تروریسم، داعش، القاعده، منابع مالی، روش مقایسه‌ای.

۱. * دانشجویار دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول:

(a.hatami@ase.ui.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۱- مقدمه

گرچه بحث از اقتصاد سیاسی تروریسم از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد، اما مباحث اقتصاد سیاسی تروریسم پس از حملات یازده سپتامبر مورد توجه جدی قرار گرفت (De Mesquita, 2008) به همین دلیل امروزه بحث از اقتصاد سیاسی تروریسم به موضوعی مهم در مطالعات تروریسم تبدیل شده است (Enders & Sandler, 2001). چنانکه امروزه بحث از ریشه‌های اقتصادی تروریسم (Blomberg et al, 2007: 45-62)، پیامدهای اقتصادی تروریسم ((Sandler & Enders, 2008, Lenain, Bonturi & Koen, 2002) و نهایتاً شیوه‌های تأمین منابع مالی تروریسم (Freeman, 2012: 3) به یکی از اصلی‌های مباحث در ادبیات تروریسم تبدیل شده است. گرچه هریک از وجوه سه‌گانه اقتصاد سیاسی تروریسم واجد اهمیت هستند، اما این مقاله تنها بر بخش سوم این مباحث یعنی شیوه‌های تأمین منابع مالی گروه‌های تروریستی متمرکز است. استدلال مشخص این است که منابع مالی برای تروریسم مانند اکسیژن برای گروه‌های تروریستی است و خون در گردش حیات آن‌ها محسوب می‌شود (Gupta, 2005: 28). به همین دلیل گفته می‌شود ردیابی منابع مالی، چگونگی تهیه و تأمین هزینه‌ها، چگونگی هزینه‌کرد و توزیع منابع مالی می‌تواند نقش مؤثری در پیش‌بینی حوادث و عملیات خرابکارانه گروه‌های تروریستی و لاجرم کاهش اقدامات تروریستی داشته باشد (Biersteker & Eckert, 2007). به همین دلیل می‌توان انتظار داشت اگر منابع مالی تروریسم قطع یا مسدود شود، فعالیت‌های تروریستی آن‌ها نیز به همین ترتیب محدود یا مسدود گردد. بدین‌سان و از میان وجوه سه‌گانه موجود در اقتصاد سیاسی تروریسم، اولاً بحث از شیوه‌ها تأمین منابع مالی تروریسم واجد اهمیت زیادی تصور می‌شود. ثانیاً بالطبع هر نوع بحث از شیوه‌های قطع منابع مالی، در درجه اول نیازمند فهم شیوه‌های تأمین منابع مالی آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که گروه‌های تروریستی متعددی در جهان فعالیت می‌کنند و بالطبع مطالعه تمامی آن‌ها در اینجا مقدور نیست، این مقاله تنها بر دو گروه عمده آن‌ها یعنی داعش و القاعده تمرکز می‌نماید و اقتصاد سیاسی تأمین منابع مالی آن‌ها را به صورت تطبیقی تحلیل می‌نماید. بدین‌سان سؤالاتی که تلاش می‌شود در اینجا به آن‌ها پاسخ داده شود در درجه اول این است که شیوه تأمین منابع مالی داعش و القاعده کدامند؟ در وهله دوم اینکه از منظر تحلیل‌های تطبیقی، شیوه‌های تأمین منابع مالی این گروه‌ها از چه جهاتی متمایز و از چه جهاتی مشابه هستند؟ نهایتاً دلایل این وجوه تمایز و تشابه در تأمین مالی گروه‌های تروریستی مزبور چیست؟

۲- روش پژوهش

گرچه روش‌های متفاوتی در علوم سیاسی به کار گرفته شده است، اما بر اساس یک دیدگاه، روش مقایسه‌ای در قلب و کانون تحلیل‌های علوم سیاسی قرار داشته است (Ishiyama, 2012: 3). از حیث تاریخی تحلیل‌های مقایسه‌ای در علوم اجتماعی و به شکل مشخص‌تر در علوم سیاسی را می‌توان حداقل از زمان ارسطو به این سو پی گرفت. در حالی که افلاطون تلاش می‌کرد به پرسش‌های انتزاعی مانند اینکه یک نظام سیاسی آرمانی چه اجزایی دارد پاسخ دهد، ارسطو به سمت پژوهش‌های تطبیقی حرکت کرد. او به شکل مشخص به تحلیل ۱۵۸ دولت‌شهر یونانی پرداخت و گونه‌شناسی تطبیقی شش‌گانه‌ای از نظام‌های سیاسی ارائه نمود (اونیل، ۱۳۸۶: ۱۱). از آن زمان تحلیل‌های مقایسه‌ای همواره در پژوهش‌های سیاسی و اجتماعی حضور داشته‌اند. این حضور پررنگ باعث شده است تا برخی از محققین مانند لیبرسون حتی استدلال نمایند که پژوهش اجتماعی به هر صورتی که باشد، اساساً پژوهشی تطبیقی است (به نقل از ریگین، ۱۳۸۸: ۳۱). با این وجود دیدگاه متعادل‌تری نیز وجود دارد که تأکید می‌کند روش مقایسه‌ای در پژوهش‌های خاص و مشخصی قابلیت کاربرد دارد. چنانکه به زعم اسملسر زمانی که تعداد موارد مطالعه کم باشد باید به جای روش آماری و تجربی از روش مقایسه‌ای استفاده نمود. (Smellser, 1967: 16). در برخی از شیوه‌های تحلیل این تعداد موارد، حداقل دو مورد تعریف شده است (Lijphart, 2007: 255). همین‌طور از حیث هدف مدنظر پژوهشگر، هدف روش مقایسه‌ای، یافتن وجوه تشابه و تمایز پدیده موردبررسی، بیان شده است (Hague and Harrop, 2004: 62). با این وجود گفته شده است که یافتن وجوه تشابه و تمایز خود می‌تواند به چهار هدف فرعی یعنی توصیف و لاجرم در مرحله بعد تبیین، گونه‌شناسی، آزمون فرضیه و نهایتاً پیش‌بینی صورت گیرد (Landman, 2008: 18). نهایتاً استدلال شده است که روش مقایسه‌ای حداقل مستلزم موارد مورد مقایسه و واحد تحلیل است (ریگین، ۱۳۸۸). بدین‌سان از آنجا که تعداد موارد مقایسه در این پژوهش اندک یعنی تنها دو مورد است، روش مقایسه‌ای از حیث تعداد موارد موجه به نظر می‌رسد. ثانیاً از آنجا که هدف اصلی این پژوهش نیز یافتن وجوه تشابه و تمایز شیوه‌های تأمین منابع مالی القاعده و داعش و هدف فرعی اول توصیف و سپس تبیین این وجوه تشابه است، از حیث هدف اصلی نیز انطباق وجود دارد. نهایتاً در این پژوهش موارد مورد مقایسه القاعده و داعش و واحد تحلیل شیوه‌های تأمین منابع مالی آن‌ها خواهد بود.

۳- مباحث نظری

زمانی که از اقتصاد سیاسی تروریسم بحث می‌شود این بحث چندین وجه می‌یابد. وجه اول در مورد ریشه‌های اقتصادی تروریسم است و اساساً مبتنی بر این ایده است که فقر اقتصادی یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر در پیدایش و گسترش تروریسم است (Blomberg, 2007: 45-62) وجه دوم به جای منشأ اقتصادی تروریسم، بر پیامدهای اقتصادی تروریسم متمرکز است. این وجه عموماً بر این موضوع تأکید می‌کند که وقوع یک حادثه تروریستی در یک کشور چه هزینه‌های اقتصادی برای آن کشور به همراه دارد. برای نمونه یک پژوهش برآورد نموده است که حملات تروریستی یازده سپتامبر به طور مستقیم و به طور غیرمستقیم و روی هم رفته ۲۸/۷ میلیارد دلار برای آمریکا هزینه‌های اقتصادی داشته است (به نقل از دری، ۱۳۹۱: ۱۱۴). همین‌طور یک برآورد نشان داده است پاکستان سالیانه در حدود ۱/۷ میلیارد دلار صرف مبارزه با تروریسم نموده است (Ali, 2010: 8) وجه سوم به جای تأکید بر منشأ اقتصادی یا پیامد اقتصادی تروریسم، بر امکانات اقتصادی مورد نیاز تروریسم یا همان منابع مالی مورد نیاز برای انجام حملات تروریستی متمرکز است. این وجه بر این موضوع تأکید می‌کند که انجام حملات تروریستی هزینه‌بر است و لاجرم تأمین منابع مالی تروریسم به همین دلیل اهمیت زیادی می‌یابد. برای نمونه گفته می‌شود که حمله به مرکز تجارت جهانی سال ۱۹۹۳ حدود ۱۹ هزار دلار، بمب‌گذاری بالی اندونزی در سال ۲۰۰۲ در حدود ۲۰ هزار دلار، حملات مادرید در سال ۲۰۰۴ بین ۱۰ تا ۵۰ هزار دلار و نهایتاً حملات یازده سپتامبر چیزی بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار دلار برای گروه‌های تروریستی هزینه در برداشته است (Passas, 2007: 31). این تنها بخش کوچکی از هزینه‌هایی است که یک سازمان تروریستی باید آن را پرداخت نماید؛ چراکه هزینه‌های بسیار زیاد دیگری شامل عضوگیری، تأسیس کمپ‌های آموزشی، تدارکات مانند غذا و سرپناه نیز بر این گروه‌ها تحمیل می‌شود. این هزینه‌ها باعث شده است تا بودجه سالیانه القاعده در دهه ۱۹۹۰ تا ۳۰ میلیون دلار برآورد گردد (Passas, 2007: 32) رمزی یوسف^۱ یکی از متهمان حمله به مرکز تجارت جهانی در سال ۱۹۹۳ در بازجویی‌های خود اعتراف کرد که اگر پول بیشتری در اختیار داشت می‌توانست مواد منفجره بیشتری خریداری نماید و خسارت جانی و مالی بیشتری را به بار می‌آورد (Freeman, 2012: 3).

¹. Ramzi Yousef

این مقاله از حیث نظری بر وجه سوم رهیافت اقتصادی سیاسی تروریسم متمرکز است. این تمرکز بیش از هر چیز به دلیل اهمیت بحث تأمین منابع مالی تروریسم است؛ به گونه‌ای که برخی از محققین از پول یا منبع درآمدی تروریسم به عنوان اکسیژن (3: Powell, 2001) یا برخی آن را خون در جریان یا نیروی حیات^۱ (28: Gupta, 2005) یا موتور محرکه (60: Raphaeli, 2003) تروریسم دانسته‌اند. بدین‌سان، اهمیت این پژوهش از همین منظر قابل تبیین است. به طور کلی بسیاری از تحلیلگران و سیاست‌گذاران بر این باورند که پول عنصر بسیار مهمی برای سازمان‌های تروریستی است تا خود را سرپا نگه‌دارند و مهم‌تر اینکه دست به عملیات بزنند. اکنون این دیدگاه پذیرفته‌شده‌ای است که محروم نمودن سازمان‌های تروریستی از منابع مالی عامل کلیدی در کاهش گستره عمل آن‌ها به ویژه انجام حملات تروریستی است. بدون پول این گروه‌ها نه قادر به انجام عملیات هستند و نه می‌توانند به عنوان یک سازمان تداوم حیات داشته باشند (461: Freeman, 2011). در این تعبیر پول کمتر، به معنای امکان عضوگیری کمتر، اسلحه کمتر، آموزش نامناسب‌تر، ظرفیت کمتر و نهایتاً کاهش ظرفیت برای خرید فناوری و به کارگیری متخصصین است (4: Kiser, 2005). یک مطالعه ضمن انجام مصاحبه با ۲۸ تحلیل‌گر و سیاست‌گذار در حوزه تروریسم در مورد نقش پول در سازمان‌های تروریستی، اهمیت تأمین مالی تروریسم را به وضوح نشان داد. در این مطالعه ۱۷ نفر نقش پول را بسیار مهم، ۸ نفر آن را نسبتاً مهم و تنها ۳ نفر نقش پول در سازمان‌های تروریستی را کم‌اهمیت دیدند. (4: Kiser, 2005). همین‌طور کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا در دوره بوش پول نیز تأکید داشت که بدون تأمین منابع مالی تروریسم در سراسر جهان، تروریسم نمی‌توانست کار کند؛ به گونه‌ای که او حتی پول را اکسیژن تروریسم نامید (3: Powell, 2001). به همین دلیل اکنون مبارزه با تأمین مالی تروریسم به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های افرادی تبدیل شده است که مسئولیت آن‌ها مقابله با تروریسم است (60: Raphaeli, 2003)؛ چراکه به زعم این افراد بدون منابع مالی فراوان عملیات پیچیده‌ای مانند حملات یازده سپتامبر اساساً امکان‌پذیر نبود (60: Raphaeli, 2003) چنان‌که ایمن الظواهری دست راست بن‌لادن، مدتی کوتاه قبل از بمب‌گذاری در سفارتخانه مصر در اسلام‌آباد به این موضوع اشاره کرد که اگر او پول کافی و بیشتری داشت هم‌زمان می‌توانست در سفارت آمریکا و انگلستان نیز بمب‌گذاری انجام دهد (60: Raphaeli, 2003).

۴- شیوه‌های تأمین منابع مالی در القاعده

عموماً استدلال می‌شود که منابع مالی القاعده از سه منبع عمده یعنی ثروت شخصی بن‌لادن، هبه‌ها و فعالیت‌های مجرمانه تأمین می‌شود (Gomes & Mikhael, 2018: 23)؛ اما بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد که شبکه مالی القاعده از حیث مالی یک شبکه چندلایه و بسیار متنوع است (Raphaeli, 2003: 61). چنانکه زمانی که آمریکا تلاش کرد برخی از دارایی‌ها این گروه را توقیف کند، بن‌لادن طی پیامی اعلام کرد که این گروه آلترناتیوهای متعددی برای تأمین مالی خود دارد. او تأکید کرد که القاعده توسط جوانان تحصیل‌کرده فراوانی در جهان اداره می‌شود که قادرند این راه‌ها را بیابند (Raphaeli, 2003: 61). به همین دلیل به زعم یکی از مقامات نظامی آمریکا، جنگ با تروریسم اکنون جنگ حسابداران، حساب‌برسان، سلاح به‌دستان و مشاوران حقوقی است (New York Times, 19 Dec. 2002: 2) که مبین پیچیدگی شیوه‌های تأمین منابع مالی این گروه‌ها است. در ادامه تلاش می‌شود تا با در نظر گرفتن این پیچیدگی‌ها، منابع مالی اصلی القاعده احصاء و بررسی شوند.

۴-۱- مؤسسات خیریه

یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی سازمان القاعده، مؤسسات خیریه دیده شده است. (Bin Laden, 1999) پس از یازده سپتامبر ارتباط میان سازمان‌های خیریه اسلامی و القاعده هم در غرب و هم در منطقه خاورمیانه مورد توجه جدی قرار گرفت. برخی از بررسی‌ها نشان می‌دادند که القاعده حداقل در یک‌پنجم از خیریه‌های اسلامی مستقر در انگلستان، ولز و هلند نفوذ کرده بود. اگر تعداد خیریه‌های اسلامی این دو حوزه را حدود ۱۰ هزار خیریه در نظر گیریم، برآوردها نشان می‌دهند که القاعده با ۲۰۰۰ خیریه مستقر در این دو بخش ارتباطاتی داشته است. (Gunning, 2007: 93). با این حال زمانی که از نقش خیریه‌ها در تأمین منابع مالی القاعده صحبت می‌کنیم باید متوجه این موضوع باشیم که تنها بخش محدودی از این منابع در اختیار القاعده قرار داشته است. چنان‌که بر اساس یک بررسی تنها در حدود ۱۰ درصد از منابعی که به خیریه‌ها در آمریکا پرداخت می‌شود نصیب القاعده می‌شود؛ بنابراین از حدود ۶ تا ۹ میلیون دلار منابع این خیریه‌ها تنها در حدود ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار دلار آن در اختیار القاعده قرار گرفته است (Gunning, 2007: 104). این بدان معناست که برخلاف دیدگاه رهبر این گروه و در مقایسه با سایر منابع درآمدی القاعده، نقش خیریه‌ها در تأمین منابع مالی این گروه را

نباید بیش از اندازه در نظر گرفت (Gunning, 2007: 10). با این حال مسئله اصلی در اینجا این است که ردیابی پول‌هایی که از مدارس مذهبی، اشخاص حامی در مساجد و مؤسسات خیریه جمع‌آوری می‌شود، از آنجا که هیچ جایی ثبت و ضبط نمی‌شود و گاه در هیچ شبکه بانکی ورود نمی‌کند، بسیار دشوار است. گرچه در این میان ارتباط برخی از سازمان‌های خیریه مانند بنیاد امداد جهانی^۱ یا سازمان الوفاق^۲ با القاعده تا حد زیادی مشخص شده است (Freeman, 2011: 470)، اما واقعیت این است که این منابع مالی به سرعت در حال گسترش و انتقال هستند بدون آنکه رد پایی از آن در هیچ شبکه رسمی مالی ملی یا بین‌المللی ثبت شود. با تمامی این اوصاف، بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر و قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل برای مقابله با تروریسم، برخی از مؤسسات خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد^۳ با توقف فعالیت از سوی دولت‌های مبدأ مواجه شدند. چنانکه پس از حادثه یازدهم سپتامبر حدود ۳۱۵ نهاد و مؤسسه خیریه و مردم‌نهاد بین‌المللی تعطیل شدند و بیش از ۱۴۰۰ حساب در سراسر جهان با بیش از ۱۳۶ میلیون دلار پول و سایر دارایی‌ها که احتمال ارتباط آن‌ها با گروه‌های تروریستی از جمله سازمان القاعده وجود داشت، مسدود شدند. (: (Departments of the Treasury and Justice, 2003: 7)

۴-۲- ثروت شخصی بن‌لادن و سرمایه‌گذاری‌ها

یکی دیگر از شیوه‌های تأمین منابع مالی القاعده، ثروت شخصی بن‌لادن بود (Freeman, 2011: 470). چنانکه اسامه بن‌لادن با کمک ۳۶ سرمایه‌گذار دیگر یک شرکت چندملیتی که فعالیت‌های متنوعی در حوزه‌های کشاورزی انجام می‌داد را تأسیس کرد. این شرکت «تمار المبارک»^۴ نام داشت. این شرکت شامل یک آزمایشگاه تحقیقاتی ژنتیکی گوسفند، یک کارخانه تولید لوازم آرایشی و بهداشتی، یک شرکت مبل‌مان، یک مزرعه بزرگ، یک دام‌پروری، یک کارخانه دوچرخه و یک شرکت وابسته صادرات و واردات بین‌المللی برای فروش محصولات بود (Gunaratna, 2002: 1-2). همچنین این شرکت یک معدن بزرگ در تانزانیا را خریداری کرد. البته کارشناسان اقتصادی بر این باورند که معدن تنها یک پوشش برای فعالیت‌های مالی این سازمان محسوب می‌شد تا مبادلات مالی و جابجایی حساب‌ها را پوشش دهد و همچنین در

^۱. Global Relief Foundation

^۲. Al-Wafa organization

^۳. NGO

^۴. Themar al-Mubarak

شرایطی که نیروهای عملیاتی تحت تعقیب قرار می‌گرفتند مدتی به عنوان نیروهای معدن در آنجا مشغول به کار می‌شدند تا اوضاع مساعد شود. (Global Witness. April 2: 2003). سازمان‌های تروریستی مانند القاعده، همین‌طور تلاش می‌کردند تا از طریق فعالیت‌های قانونی و از محل سرمایه‌گذاری‌ها نیز درآمدهایی را کسب نمایند. برای نمونه القاعده بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ بنگاه‌هایی را برای تجارت قانونی در سودان تأسیس نمود. تولید بادام‌زمینی، پرورش زنبورعسل، تأسیس شرکت‌های لوازم و آرایشی، تولید مبلمان، لوله‌کشی ساختمان تعمیر و فروش ماشین‌های دست‌دوم و حتی کارخانه‌های تولیدی از جمله این اقدامات درآمدزای مشروع بود (Freeman, 2011: 469). در عین حال سرمایه‌های سازمان القاعده در برخی از صنایع در کشورهای غیر از پاکستان و افغانستان با کمک واسطه‌ها و حامیان غیرمستقیم این سازمان در صنایعی مانند خودروسازی، کارخانه‌های قطعه‌سازی برای اتومبیل، صنایع نساجی و دیگر صنایعی که امکان حضور اسلام‌گرایان در آن فراهم بود، سرمایه‌گذاری می‌شد.

۴-۳- تأسیس بانک

تأسیس بانک از دیگر اقداماتی بود که توسط وابستگان به القاعده برای دستیابی به یک منبع مطمئن و سودآور در نظر گرفته می‌شد. نمونه آن، تأسیس بانک بین‌المللی اعتباری و تجارت^۱ (BCCI) بود که از زیربناهای مهم اقتصادی و مالی القاعده محسوب می‌شد. این بانک توسط آقا حسن عابدی^۲، بانکدار پاکستان، تأسیس گردید و در سال ۱۹۷۲ به عنوان یک بانک جهان‌سومی برای مشتریان جهان‌سوم و تحت حمایت حکومت قرار گرفت. رشد این بانک به گونه‌ای بود که ۴۰۰ شعبه در ۷۳ کشور دایر نمود و حدود ۱۴ هزار کارمند در آن مشغول به کار شدند. چنانکه عمده‌ترین فعالیت‌های پول‌شویی از جمله جابجایی پول مواد مخدر، خریدوفروش سنگ‌های قیمتی، خرید تسلیحات سبک و سنگین و دیگر معاملات مالی این گروه از طریق شبکه بانکی با عاملیت شعبه‌های متعدد این بانک انجام می‌گرفت (Frank, 2001).

۴-۴- قاچاق و اسکورت مواد مخدر

یکی از دیگر منابع مالی القاعده، قاچاق و اسکورت مواد مخدر بود. به همین دلیل امروزه

^۱. The Bank of Credit and Commerce International (BCCI)

^۲. Agha Hassan Abedi

بحث مقابله با کالاهای قاچاق متعلق به گروه‌های تروریستی در گفتمان‌های بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۴، شورای امنیت قطعنامه ۲۱۹۵ را در رابطه با مقابله با قاچاق کالاهای مختلف توسط تروریست‌ها تصویب کرد تا گام مهمی در راه مقابله و کنترل منابع مالی تروریسم بردارد. (Security Council, 2014: 2). با توجه به شرایط محیطی که القاعده در آن عمل می‌کرد، کشت مواد مخدر به یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی این گروه تبدیل شد؛ چراکه افغانستان به همراه پاکستان و ایران به عنوان هلال طلایی تولیدکنندگان عمده خشخاش و تریاک در طول تاریخ بوده‌اند (McCoy, 2009). از آنجا که هیچ‌یک از تولیدات کشاورزی افغانستان با چنین سودی و بازار فروش وسیعی روبرو نبوده است، گروه القاعده نیز آر این وضعیت نهایت بهره را برد. به طور مشخص القاعده در پاره‌ای از موارد با سرمایه‌گذاری بر روی تولید مواد سنتی، فرآوری و توسعه لابراتوارها در مناطقی مانند افغانستان، تولید و فروش بخش عمده‌ای از مواد مخدر را به دست گرفت تا قاچاق مواد مخدر به یکی از منابع درآمد جدی و پرسود برای این گروه‌ها تبدیل شود (Thompson, 2015: 1). در اثر این فعالیت‌ها شهر هلمند افغانستان به یک قطب بزرگ تولید خشخاش در جهان تبدیل شد؛ به گونه‌ای که سالانه ۲۵۰ تن خشخاش در این شهر تولید می‌شد (Peters, 2009: 12). از این گذشته آن‌ها همین‌طور این امکان را داشتند که با استفاده از توان نظامی خود، شرایط امنی برای ترانزیت مواد مخدر فراهم آورند و محموله خود را تا مرزهای بین‌المللی اسکورت نمایند. این وضعیت حتی باعث شد تا برخی از فرماندهان بلندپایه پاکستان نیز به شبکه مافیای مواد مخدر طالبان و القاعده پیوستند.

۴-۵- تجارت الماس و جواهرات

تجارت الماس و جواهرات یکی دیگر از منابع درآمدی القاعده تعریف شده است (Freeman, 2011: 467). یکی از قانع‌کننده‌ترین شواهد در خصوص علاقه القاعده به تجارت جواهرات را می‌توان در محاکمه وحیدالحق^۱ محافظ شخصی بن‌لادن دید. چنانکه در طول محاکمه او، بارها از تجارت الماس نام برده شد. همین‌طور در لپ‌تاپی که از او ضبط شد مدارک بسیار زیادی در خصوص معامله جواهرات از جمله الماس وجود داشت. در این اسناد مشخص شد که القاعده در لیبی با افرادی در خصوص تجارت الماس و

^۱. Wadih el Hage

جواهرات در ارتباط بوده است (Farah, 2007: 149). همین‌طور اسنادی وجود داشتند که نشان می‌دادند القاعده در تانزانیا شرکتی را به نام طاهر^۱ تأسیس نموده بود که به تجارت الماس مشغول بود (Farah, 2007: 195). گزارش‌های دیگری نیز وجود داشتند که نشان می‌دادند این گروه در غرب آفریقا و به طور مشخص تانزانیا درگیر قاچاق الماس بوده است (Freeman, 2011: 467) همین‌طور گزارش‌های وجود داشتند که نشان می‌دادند برخی دیگر از شاخه‌های القاعده در کشورهایمانند سودان نیز در این زمینه فعالیت داشته‌اند (Global witness, 2003: 2). با این حال این تجارت در اشکالی دیگر در خود افغانستان نیز رایج بود. به طور کلی یکی از سرمایه‌های افغانستان که بسیار پراهمیت و با ارزش است، معادن طلا و دیگر فلزات گران‌بهاست. در گزارش‌های به‌دست‌آمده از اعضای القاعده، اطلاعاتی به دست آمد که نشان می‌داد برخی از اعضای فعال این گروه مانند وادی الحاج^۲ و ابوبادیه البنشیری^۳ فعالیت‌هایی در زمینه قاچاق سنگ‌ها و فلزات گران‌بها داشته‌اند.

۴-۶- گروگان‌گیری

به طور کلی می‌توان گفت کسب درآمد از طریق اعمال مجرمانه یکی از عمومی‌ترین شیوه‌های کسب منابع درآمدی از سوی القاعده بوده است. از اواسط دهه ۱۹۹۰، گروگان‌گیری و آدم‌ربایی به یکی از شیوه‌های کسب درآمد تروریست‌ها تبدیل شد که گروه‌های تروریستی به دلیل داشتن ابزار و انگیزه‌های لازم از آن به خوبی استفاده نمودند (MacIntyre, 2006) و از آن به عنوان یک فعالیت سودآور بهره گرفتند. (Maceda, 2003) به همین دلیل استدلال شده است که یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های کسب درآمد این گروه، گروگان‌گیری مبلغان مسیحی، تجار و گردشگران خارجی بوده است (Williams, 2007: 136). با این وجود باید گفت اطلاعات دقیقی درباره تعداد یا میزان درآمد حاصل از این امر در دست نیست، زیرا جمع‌آوری اطلاعات با محدودیت‌هایی روبرو بوده است (Yun, 2006). تنها در یک نمونه، یکی از شاخه‌های وابسته به القاعده در جنوب فیلیپین متعلق به ابوسیاف در ازای آزادی گروگان‌های اروپایی و مالزیایی ۲۵ میلیون دلار درخواست شده بود. همین‌طور گزارش‌هایی وجود

^۱. Taheer

^۲. Wadi el-Hage

^۳. Abu Ubadiyah al-Banshiri

داشته است که نشان می‌داد وابستگان به القاعده در پاره‌ای از موارد برای آزادی گروگان‌های اروپایی رقم‌هایی از ۱۰ هزار دلار تا ۱۰۰ هزار دلار درخواست کرده بودند (Sherwell, 2016).

۴-۷- کمک‌های دولتی

در حالی که تأمین منابع مالی تروریست‌ها از سوی دولت‌ها در طول جنگ سرد امری رایج بود، اما تأمین منابع مالی تروریست‌ها از سوی دولت‌ها پس از پایان جنگ سرد روندی روبه کاهش یافت (Freeman, 2011: 465)، هر چند کاملاً قطع نشد. برای سازمان‌های تروریستی این منابع عموماً به دو دلیل واجد اهمیت بودند. اولاً مقادیر این مبالغ، عموماً قابل توجه بودند. ثانیاً امکان دسترسی این گروه‌ها به این منابع مالی عموماً و کمابیش آسان بود (Freeman, 2012: 13). اسنادی که از ویکی لیکس به دست آمد نشان داد که چند کشور در جهان هنوز به عنوان حامیان دولتی گروه‌های تروریستی اسلام‌گرا مانند القاعده، لشکر طیب و داعش نقش برجسته‌ای داشتند. در این اسناد اشاره شده بود که پول نفت این دولت‌ها عمدتاً از طریق واسطه‌ها و مؤسسات خیریه و اشخاص حقیقی به دست گروه‌های تروریستی رسیده است. در این اسناد از برخی از کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس به عنوان حامیان دولتی گروه‌های تروریستی نام برده شده است (Guardian, 2010: 1).

۵- شیوه‌های تأمین منابع مالی در داعش:

یک برآورد نشان می‌دهد داعش روزانه حدوداً سه میلیون دلار درآمد داشته است و بودجه سالیانه داعش دو میلیارد دلار در سال برآورد شده است. همین‌طور دارایی‌های این گروه تا اواخر سال ۲۰۱۵ دو میلیارد دلار آمریکا تخمین زده می‌شد که حدود ۱۱ درصد بیش از سال ۲۰۱۴ بود (AFTF, 2017: 8-9). با این حال برخی برآوردهای درآمد داعش را از این هم بیشتر تخمین می‌زد. چنانکه بر اساس یک تخمین داعش در سال ۲۰۱۵ حدود ۶ میلیارد دلار درآمد داشته است؛ یعنی رقمی که معادل تولید ناخالص کشور لیختن‌اشتاین بوده است (Clarke, 2018: 1). این وضعیت باعث شد تا داعش به عنوان ثروتمندترین گروه تروریستی دنیا در طول تاریخ شناخته شود (AFTF, 2017: 8). عموماً استدلال می‌شود که سه منبع شامل نفت به میزان ۵۰۰ میلیون دلار، مالیات ستانی و اخاذی به میزان ۳۰۰ میلیون دلار و سرقت از بانک موصل به میزان ۵۰۰

میلیون دلار از درآمدهای اصلی داعش در سال ۲۰۱۵ بوده است (Clarke, 2018: 5). با این وجود بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد که منابع مالی داعش از تنوع و تکثر بیشتری برخوردار بوده است. در ادامه این منابع مالی را احصاء و بررسی خواهد شد.

۵-۱- فروش نفت

بر اساس یک برآورد داعش در سال ۲۰۱۵ از فروش نفت سالیانه درآمدی بین ۲۵۰ میلیون تا ۶۰۰ میلیون دلار داشته است (AFTF, 2017: 8). تخمین کلارک نیز در حدود ۵۰۰ میلیون دلار است که تا حد زیادی به این برآورد نزدیک می‌شود (Clarke, 2018: 4). بر اساس همین برآورد داعش در سال ۲۰۱۴ یعنی زمانی که بیشترین سرزمین را در اشغال خود داشت، روزانه بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار بشکه نفت استخراج می‌کرد (AFTF, 2017: 8). بر اساس برخی برآوردها این گروه کنترل حدود ۶۰ درصد از حوزه‌های نفت و گاز سوریه و ۱۰ درصد از حوزه نفت و گاز عراق را در دست داشت (AFTF, 2017: 10). به طور خاص این گروه تنها در سوریه کنترل حدود ۲۵۳ حلقه چاه نفت را در اختیار داشت که در حدود ۱۶۱ حلقه از آن‌ها فعال بودند (AFTF, 2018: 10). گرچه بخشی از نفت تولیدشده از سوی این گروه برای کامیون‌ها و تانک‌های نظامی صرف می‌شد (AFTF, 2018: 9)، اما در کل بین هفتاد تا یکصد هزار بشکه نفت از این دو کشور توسط داعش به خارج از کشور صادر می‌شد (AFTF, 2018: 10). طبق اطلاعات غیررسمی، داعش هر بشکه نفت استخراجی را در بازارهای سیاه و غیررسمی حدود ۴۰ دلار به فروش رسانده است. صادرات نفت داعش با استفاده از تانکرهای با ظرفیت محدود، اتومبیل‌های غیرنظامی و حتی احداث خط لوله موقت تا مرز ترکیه صورت می‌گرفت. (Gusovsky, 2015: 3). همین‌طور در مواردی سعی شد تا نفت خام به کشورهای همسایه منتقل شود و در پالایشگاه‌های کوچک به فرآورده‌های قابل فروش تبدیل و سود بیشتری حاصل شود. چنانکه بعد از کنترل نسبی داعش بر موصل، نفت استخراج‌شده از سوریه به این شهر منتقل شد و در پالایشگاه‌های موصل، به عنوان بنزین مورد استفاده قرار گرفت. با این وجود، برخی از کارشناسان معتقدند که بنزین تولیدشده تنها پاسخگوی نیاز داخلی داعش بود و در مناطق تحت کنترل و ماشین‌های جنگی خودشان مورد استفاده قرار می‌گرفت (Guardian, 2014: 2).

۵-۲- قاچاق آثار باستانی

برخی از کارشناسان اقتصادی معتقدند که قاچاق کالاهای عتیقه و باستانی، دومین منبع عمده درآمدی داعش محسوب می‌شد (Kohn, 2014). داعش در سال‌های ابتدایی حضور در سوریه و عراق اقدام به تخریب آثار باستانی و نشانه‌های فرهنگی و سنتی و ملی این کشورها نمود، اما پس از چندی ترجیح داد با قاچاق این آثار به کشورهای اروپایی، منبع درآمدی برای خود ایجاد نماید. از آنجا که سوریه به تنهایی دارای ۶ سایت باستان‌شناسی و ۲۵ موزه فرهنگی تاریخی بود که در یونسکو ثبت شده بودند، بالطبع شرایط محیطی برای قاچاق آثار باستانی تا حد زیادی فراهم بود. همین وضعیت کمابیش در مورد عراق نیز وجود داشت. چنانکه طبق گزارش‌ها، حدود یک‌سوم از سایت‌های باستان‌شناسی عراق (حدود ۱۲ هزار سایت) نیز به تصرف داعش درآمد (Harkin, 2016: 1-4). قاچاق عتیقه توسط داعش تنها به آثار و اشیایی که در کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده بودند، منحصر نماند و به اشیایی که در موزه‌های ملی نگهداری می‌شدند هم رسید. طبق گزارشی که در روزنامه گاردین در سال ۲۰۱۴ منتشر شد سهم عمده تجارت قاچاق اشیای عتیقه سوریه، در دست داعش و بعد از آن ارتش آزاد سوریه است. چنانکه این گروه‌های تروریستی تیم‌های حرفه‌ای حفاری تشکیل دادند و شروع به کاوش در سایت‌های باستان‌شناسی نمودند. هم‌پا با آن‌ها، مافیای عتیقه در کشورهای ترکیه، لبنان و عراق به شدت فعال شدند تا بتوانند اشیای دست‌اول و ارزشمند را در کمترین زمان خریداری و از این کشور خارج نمایند. حتی گزارش‌هایی وجود داشت که داعش از آوارگان‌سوری که به کشورهای دیگر مانند اردن مهاجرت می‌کردند به عنوان حاملان این اشیاء استفاده نموده است (Kohn, 2014: 2).

۵-۳- حمایت‌های مالی دولت‌های خارجی

طبق گزارش‌هایی که وزارت امور خارجه ایالات‌متحده منتشر کرده است، دسترسی به منابع نفتی در سوریه و عراق تنها بخشی از درآمدهای مالی داعش محسوب می‌شد. در بیانیه‌ای که این وزارت خانه در سال ۲۰۱۳ منتشر کرد در حدود ۴۰ میلیون دلار از سوی کشورهای نفتی خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، قطر و کویت تنها در دو سال منتهی به انتشار این گزارش در اختیار گروه تروریستی داعش قرار داده شده بود (US Department of State, 2013). این کمک‌ها طبق گزارش بانک اطلاعاتی وزارت دفاع ایالات‌متحده، چیزی در حدود ۵ درصد منابع مالی داعش برآورد گردید.

(Allam, 2014). با این حال، به دلیل حساسیت‌های جامعه بین‌المللی و ورود سازمان ملل در این زمینه، به ویژه قطعنامه‌هایی که شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد مجازات اقتصادی که برای دولت‌های حامی تروریسم صادر کرد، در حال حاضر حمایت‌های دولتی از تروریسم به میزان قابل توجهی کاهش یافته است.

۵-۴- دست برد به سپرده‌های بانکی

یک بررسی نشان می‌دهد داعش در حدود یک میلیارد دلار پول نقد از طریق دستبرد به بانک‌ها به دست آورده است. بر اساس این بررسی، این گروه از طریق تصرف وجوه نقد ۹۰ بانک در استان‌های تحت کنترل خود این مبلغ را به دست آورد که تنها حدود ۶۷۵ میلیون دلار آن متعلق به بانک‌های موصل و در حدود ۵۰۰ میلیون دلار آن تنها متعلق به خزانه بانک مرکزی در موصل بود (FATF, 2018: 10). داعش در برخی از مناطق تحت تصرف حتی مردم را مجبور نمود تا از حساب‌های مالی خود در بانک‌ها دست بکشند. افراد باید نامه‌ای را به یک هیئت سه نفره که از سوی اعضای داعش مشخص شده بودند، تنظیم می‌کردند و در آن رسماً اعلام می‌نمودند که نسبت به دارایی‌های خود در بانک‌ها هیچ ادعایی نخواهند داشت. با اجازه این هیئت، اشخاص تنها قادر بودند تا ۱۰ درصد از دارایی خود را برداشت نمایند و بقیه را در اختیار دولت اسلامی قرار دهند (Khales, 2014). افرادی که مقاومت می‌کردند نیز مورد ضرب و شتم و آزار نیروهای داعش قرار می‌گرفتند. این قانون تصرف اموال شیعیان، اهل سنت و حتی مسیحیان در مناطق تحت کنترل را شامل می‌شد و استثنا‌بردار نبود. یک بررسی نشان می‌داد که داعش حتی منازل مسکونی برخی از بزرگان و ثروتمندان شهر را مصادره و برای فروش آن‌ها در بازار با تخفیف‌های قابل ملاحظه اقدام نموده است (FATF, 2018: 10).

۵-۵- مالیات ستانی و جزیه

سرزمینی که داعش در اوج گسترش قلمرو سرزمینی خود در اختیار داشت، جمعیتی در حدود ۸ میلیون نفر را در بر می‌گرفت. دریافت انواع مالیات از این جمعیت یکی از عمده‌ترین منابع درآمدی این گروه بود. یک برآورد نشان می‌داد داعش سالیانه در حدود ۹۰۰ میلیون دلار از این طریق درآمد داشته است (FATF, 2018: 11). این مالیات‌ها که عموماً به اسم زکات توجیه می‌شدند گستره زیادی از کالا و خدمات را شامل می‌شدند.

آن‌ها عموماً ۲/۵ درصد از عایدی گندم، جو، پنبه، دامداری و همین‌طور عواید ناشی از خدمات را تحت همین عنوان اخذ می‌کردند (AFTF, 2018: 11). در پاره‌ای از موارد تحت این عنوان که آن‌ها در حال جنگ هستند حتی تا ۱۰ درصد این عواید توسط این گروه تحت همین عنوان از مردم گرفته می‌شد (AFET, 2018: 11). به طور کلی، داعش مالیات‌های مختلفی وضع کرد تا بتواند درآمدهای زیادی از این راه کسب نماید. این مالیات‌ها از مالیات بر تحصیلات و سوخت گرفته تا مالیات بر وسایل نقلیه را شامل می‌شد. برای نمونه در مناطق پرجمعیت مانند موصل مالیات اعمال‌شده بر یک کامیون بزرگ به طور معمول ۴۰۰ دلار، کامیون‌های کوچک حدود ۱۰۰ دلار تا ۵۰ دلار بود (Rasheed, 2014). علاوه بر مالیات ستانی از مسلمانان، آن‌ها همین‌طور کوشیدند تا از طریق دریافت جزیه از غیر مسلمانان نیز منابع مالی به دست آورند. چنانکه طبق احکام صادر از سوی هیئت‌های دولت اسلامی، هر مرد غیر مسلمان ساکن در مناطق مورد تصرف داعش باید سالانه ۷۲۰ دلار به عنوان جزیه به دولت اسلامی پرداخت می‌نمود (Spencer, 2014).

۵-۶- فروش ارزاق عمومی

به طور کلی یکی از وجوه متمایزکننده داعش از سایر گروه‌های تروریستی، تصرف سرزمین‌های قابل توجه در عراق و شام از سوی این گروه بود. این ویژگی به داعش یک خصلت سرزمینی بودن مشخص بخشید و از این حیث این گروه تروریستی را تقریباً خاص ساخت. این خصلت سرزمینی بالطبع می‌توانست بر روی شیوه کسب منابع درآمدی این گروه نیز تأثیر داشته باشد. چنانکه در اثر این خصلت، داعش توانست کنترل ۴۰ درصد از تولیدات و ذخایر گندم عراق را به دست گیرد (Fick, 2014: 2-3) و از این طریق تعدادی از سیلوهای عمده گندم را تحت کنترل خود درآورد. بر اساس یک برآورد در برخی سیلوهای عراق در سال ۲۰۱۴ تقریباً ۱۴۰۰۰ تن گندم بیشتر از سال ۲۰۱۳ انبار شده بود که ارزش آن در حدود ۹/۵ میلیون دلار برآورد می‌شد (Fick, 2014: 2-3). به همین دلیل داعش که خود را با یک ثروت بادآورده روبه‌رو می‌دید دست به حراج گندم‌های انبارشده زد. در حالی که قیمت هر کیلو گندم عموماً چیزی بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۱۰۰۰ دینار بود، داعش گندم‌های دزدیده‌شده را حراج کرد و آن را در بازار به قیمت چیزی بین ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ دینار به فروش رساند (Fick, 2014: 2-3).

۵-۷- آدمربایی

به طور کلی آدمربایی از دیگر منابع تأمین مالی گروه‌های تروریستی بوده است. سازمان‌های تروریستی با ربودن افراد و درخواست وجه از خانواده یا افراد عشیره آنان، همچنین ربودن اعضا و سرکرده‌های دیگر سازمان‌های تروریستی و درخواست پول و در مواردی حتی فروش جنازه این افراد به کسب درآمد پرداخته‌اند (Chou, 2017: 3). در این میان به طور مشخص داعش در سال‌های اخیر، با ربودن زنان و دختران و فروش آنان به شبکه‌های فروش انسان در کشورهای مختلف کسب درآمد کرده است. در مواردی که خانواده توان تأمین و مبادله نداشته است، گروگان‌ها به صورت برده‌های جنسی به سازمان‌های بین‌المللی قاچاق انسان فروخته شده‌اند. داعش حتی در مواردی برخی از اعضای خود که تابعیت کشورهای اروپایی داشتند و دولت متبوع خواستار مبادله و برگشت آن‌ها بوده است را به عنوان گروگان در نزد خود نگه داشته است و تنها در ازای دریافت پول مبادرت به آزادی آن‌ها نموده است (Huckerby, 2019: 4). طبق گزارشی که FATF در سال ۲۰۱۴ منتشر نمود داعش از فروش و مبادله انسانی، بین ۲۰ تا ۴۵ میلیون دلار درآمد کسب کرده است (Cited Fick, 2014: 3). سازمان عفو بین‌الملل نیز زنان و دختران ایزدی را بزرگ‌ترین جمعیت قربانی آدمربایی و قاچاق و فروش انسان در سال‌های اخیر معرفی کرده است. برآورد می‌شود تعداد زنان و دخترانی که توسط داعش ربوده شده و از آن‌ها سوءاستفاده شده است از ۲۵۰۰ در سال‌های ابتدایی به ۶۰۰۰ مورد در سال‌های اخیر رسیده باشد که عمده این جمعیت را زنان ایزدی تشکیل می‌دادند. (Watson, 2014).

۶- تحلیل تطبیقی شیوه‌های تأمین منابع مالی داعش و القاعده

چنانکه دیدیم مؤسسات خیریه، ثروت شخصی بن‌لادن و سرمایه‌گذاری‌ها، تأسیس بانک، قاچاق و اسکورت مواد مخدر، تجارت الماس و جواهرات، گروگان‌گیری و کمک‌های دولتی از اصلی‌ترین منابع مالی القاعده بود. همین‌طور فروش نفت، قاچاق آثار باستانی، حمایت‌های مالی خارجی، دست برد به سپرده‌های بانکی، مالیات ستانی و جزیه، فروش ارزاق عمومی، آدمربایی از اصلی‌ترین منابع درآمدی داعش شناسایی و احصاء گردید. جدول شماره یک منابع درآمدی این دو گروه را احصاء نموده است.

جدول ۱: منابع درآمدی القاعده و داعش

منبع عمده مالی القاعده	منبع عمده مالی داعش
مؤسسات خیریه	فروش نفت
ثروت شخصی بن‌لادن و سرمایه‌گذاری‌ها	قاچاق آثار باستانی
حمایت‌های مالی خارجی	حمایت‌های مالی خارجی
تأسیس بانک	دست برد به سپرده‌های بانکی
قاچاق و اسکورت مواد مخدر،	مالیات ستانی و جزیه
تجارت الماس و جواهرات	فروش ارزاق عمومی
آدام ربایی و گروگان‌گیری	آدم‌ربایی و گروگان‌گیری

اکنون با مشخص شدن شیوه‌های تأمین منابع مالی، ابتدا به بحث از وجوه تمایز و سپس به بحث از وجوه تشابه شیوه‌های مزبور از سوی دو گروه تروریستی خواهیم پرداخت.

۶-۱- توصیف وجوه تمایز و تشابه

۶-۱-۱- توصیف تمایز:

شاید مشخص‌ترین وجوه تمایز شیوه تأمین منابع مالی این دو گروه تروریستی، ثروت شخصی بنیان‌گذار القاعده باشد. چنانکه برخی بررسی‌ها، ثروت شخصی بن‌لادن مؤسس القاعده را حتی در حدود ۳۰۰ میلیون دلار نیز برآورد نموده‌اند (Warde, 2007: 6). این ثروت شخصی بالطبع نقش کانونی را برای رهبر القاعده به همراه داشته است. دومین وجه تمایز نقش برجسته نفت در تأمین منابع مالی داعش بوده است. چنانکه بررسی‌های مقاله نشان داد نفت یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی داعش بوده است، اما نفت این نقش کانونی را برای القاعده ایفاء ننموده است. سومین وجه تمایز مربوط به رابطه این گروه‌ها با بانک‌ها بوده است. در حالی که القاعده تأمین و انتقال منابع مالی خود را از طریق تأسیس بانک دنبال می‌کرد، در آن‌سو، داعش برعکس برای تأمین مالی خود به دستبرد به منابع موجود بانک‌ها روی آورد. در حوزه قاچاق نیز میان این گروه‌های تروریستی تمایز وجود داشت. چنانکه برای القاعده قاچاق و اسکورت مواد مخدر یکی از منابع اصلی درآمدی بود، اما در آن‌سو داعش از قاچاق آثار باستانی به عنوان یکی از منابع اصلی درآمدی خود بهره گرفت. همین‌طور در حالی که تجارت الماس و جواهرات

یکی از منابع درآمدی القاعده محسوب می‌شد، در آن سو مالیات ستانی و جزیه از منابع اصلی درآمد داعش بود. نهایتاً در حالی که فروش ارزاق عمومی از منابع اصلی درآمدی داعش بوده است، القاعده از چنین منبع درآمدی محروم بود.

۶-۱-۲- توصیف تشابه

با این وجود این گروه‌ها در حوزه تأمین منابع مالی خود واجد وجوه تشابه عمده‌ای نیز بودند. استدلال اصلی مقاله در این بخش این است که تنوع منابع مالی ویژگی مشترک و مشابه این دو گروه تروریستی بوده است. چنانکه آن‌ها هم از شیوه‌های سنتی انتقال منابع مالی مانند سیستم حواله و هم از شیوه‌های مدرن انتقال منابع مالی مانند نظام بانکی استفاده می‌کردند. برای نمونه داعش پس از اقدامات صورت گرفته از سوی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برای مسدود ساختن دارایی‌ها و یا ممانعت از انتقال پول از طریق شبکه‌های مدرن بانکی به سمت رویکردهای سنتی انتقال پول مانند حواله روی آورد (Raphaeli, 2003). همین وضعیت در مورد منابع تأمین منابع مالی آن‌ها نیز وجود دارد. چنانکه آن‌ها هم از شیوه‌های سنتی تأمین منابع مالی مانند جزیه و هم از شیوه‌های مدرن تأمین منابع مالی مانند مالیات ستانی و نظام تعرفه‌بندی و فروش نفت استفاده کرده‌اند. همین‌طور آن‌ها هم از شیوه‌های قانونی تأمین منابع مالی مانند قاجاق مواد مخدر، سرمایه‌گذاری‌ها و هم از شیوه‌های غیرقانونی تأمین منابع مالی مانند قاجاق مواد مخدر، آدم‌ربایی، سرقت و گروگان‌گیری استفاده کرده‌اند. بدین‌سان روش جمع‌آوری کمک‌های مالی از سوی گروه‌های تروریستی ترکیبی از شیوه‌های متنوع به ظاهر قانونی و ماهیتاً غیرقانونی بوده است. موضوع مهمی که در اینجا وجود دارد این است که نه تنها امکان تمایز میان این دو شیوه به سختی وجود دارد، بلکه اساساً ردیابی این کمک‌های در پاره‌ای از موارد ناممکن بوده است (Raphaeli, 2003: 61) مثلاً ممکن است این منابع از یک‌سو از طرف سازمان‌های خیریه مشروع تأمین شود و از سویی دیگر از طریق کارتهای اعتباری تقلبی، قاجاق، اخاذی، نقض حقوق مالکیت معنوی و مواردی از این دست تأمین گردد (Raphaeli, 2003: 61). بدین‌سان می‌توان گفت گروه‌های تروریستی هم از شیوه‌های سنتی و هم از شیوه‌های مدرن، هم از شیوه‌های قانونی و هم از شیوه‌های غیرقانونی تأمین مالی استفاده نموده‌اند. این شیوه‌های سرشت و خصلتی متنوع و متکثر داشته‌اند و لاجرم شیوه تأمین منابع مالی این گروه‌ها را همین‌طور تا حد زیادی منعطف نیز ساخته است.

۶-۲- تبیین وجوه تمایز و تشابه

۶-۲-۱- دلیل تمایز

چرا شیوه تأمین منابع مالی گروه تروریستی داعش و القاعده در برخی حوزه‌ها متفاوت بوده است؟ استدلال اصلی مقاله این است که بستر و محیطی که گروه‌های تروریستی در آن عمل کرده‌اند نقش تعیین‌کننده‌ای در شیوه تأمین منابع درآمدی آن‌ها داشته است. به عبارتی دیگر تفاوت در محیط و مختصات جغرافیایی حوزه عمل گروه‌های تروریستی عامل مهم در تفاوت منابع درآمدی آن‌ها بوده است. در اینجا منظور مشخص از بستر و محیط، بستر و محیط هم در ابعاد ملی و هم در ابعاد جهانی است. تا آنجا که به محیط و بستر ملی مربوط می‌شود باید گفت که محیط و بستر فعالیت القاعده بیشتر افغانستان و محیط عمل داعش عراق و سوریه بوده است. محیطی که القاعده در آن عمل می‌کرد، محیطی بود که قاچاق مواد مخدر، اصلی‌ترین کالای قاچاق دیده می‌شد. چنانکه از افغانستان به عنوان اصلی‌ترین تولیدکننده تریاک در جهان نام برده می‌شود به گونه‌ای که در حدود دو سوم از اراضی در دست کشت تریاک در این کشور قرار دارد. (Gao, 2013: 117). در آن‌سو به دلیل وجود سایت‌های باستانی در کشور عراق و سوریه، همین امکان برای داعش فراهم بود تا از عتیقه‌های این سایت‌ها به عنوان کالای قاچاق استفاده نماید؛ بنابراین مشخص است که این تمایز بیشتر بر شکل و نوع قاچاق و نه خود قاچاق مربوط بوده است. همین وضعیت در مورد نفت نیز وجود داشته است. در حالی که در افغانستان منابع نفتی وجود نداشت، در عراق و بخشی از سوریه چاه‌های نفت به وفور یافت می‌شد. به همین دلیل، مشخص است که تفاوت در منابع درآمدی تا حد زیادی تابعی از تفاوت در وضعیت محیطی بوده است که گروه‌های تروریستی مزبور در آن عمل می‌کردند. دلیل دوم تأثیر ساختار سیاسی متفاوت این دو گروه تروریستی بوده است. تا آنجا که به داعش مربوط می‌شود و چنانکه از نام آن یعنی دولت اسلامی عراق و شام نیز بر می‌آید، این سازمان تروریستی داعیه تأسیس دولت داشت. بالطبع داعیه‌هایی مانند مالیات ستانی اساساً به عنوان کارکردهای دولت‌ها (Campbell, 1993: 163-185) تعریف می‌شود و بدین‌سان مالیات ستانی به عنوان یکی از شیوه‌های تأمین منابع مالی این گروه‌ها بر اساس همین ساختار سیاسی تعین می‌یافت. در آن‌سو القاعده به عنوان یک سازمان سیاسی و نه دولت دیده می‌شد و لاجرم فاقد برخی از کارکردهای دولت مانند مالیات ستانی بود. موضوع بعد تأثیر اقدامات بین‌المللی است. به طور کلی پس از یازده سپتامبر تروریسم در کانون توجهات جهانی بیشتری قرار گرفت و روزبه‌روز بر

اقدامات پیشگیرانه جهانی برای تأمین مالی تروریسم افزوده شد (Roach, 2011: 12). به همین دلیل در حالی که القاعده قبلاً می‌توانست برای تأمین منابع مالی خود به تأسیس بانک بپردازد یا از مؤسسات خیریه به عنوان پوشش استفاده نماید، داعش به عنوان یک گروه نوظهور به دلیل تشدید اقدامات ضد تروریستی در جهان از این امکان کمتر برخوردار گردید.

۶-۲-۲- دلیل تشابه

چرا شیوه تأمین منابع مالی گروه تروریستی داعش و القاعده در برخی حوزه‌ها مشابه بوده است؟ به نظر می‌رسد اولین عامل احتمالی، کاهش کمک‌های مالی دولتی به گروه‌های تروریستی بوده است. چنانکه دیدیم کمک‌های دولتی به گروه‌های تروریستی مزبور اولاً بعد از جنگ سرد روبه کاهش نهاد (Freeman, 2011: 465 & 5). ثانیاً این موضوع در دهه اخیر حتی شدت نیز یافت. یکی از دلایل مشخص این وضعیت، افزایش حساسیت‌های بین‌المللی در مورد تأمین مالی تروریسم بود. به طور مشخص افزایش صدور قطعنامه‌های بین‌المللی ضد تروریستی، دولت‌ها را برای تأمین مالی تروریسم با مشکلات زیادی روبه‌رو ساخت. به همین دلیل و برای نمونه کمک‌های دولتی به داعش در دهه اخیر در خوش‌بینانه‌ترین حالت تنها ۵ درصد در تأمین مالی تروریسم نقش داشته است (Allam, 2014). بالطبع زمانی که دولت‌های قادر بودند تا کمک‌های مالی خود را برای گروه‌های تروریستی ارسال نمایند، آن‌ها وجوه بالایی را به این گروه‌های تروریستی پرداخت می‌نمودند؛ اما با کاهش حمایت دولتی از تروریسم، گروه‌های تروریستی که تمایلی به کاهش فعالیت‌های تروریستی خود نداشتند مجبور شدند به سمت تأمین منابع مالی خصوصی حرکت نمایند. بالطبع چون تأمین مالی خصوصی برای این گروه‌ها در ابعاد پایینی تحقق می‌یافت، آن‌ها مجبور بودند، شیوه‌های تأمین مالی خود را متنوع سازند تا کمبود منابع خود را بدین شکل جبران نمایند.

عامل بعدی تلاش گروه‌های تروریستی مزبور برای دور زدن و رهایی از دست اقدامات مسدودسازی و پیشگیرانه دولت‌ها بوده است. چنانکه گفتیم با افزایش حساسیت‌های بین‌المللی کشورهای جهان کوشیدند تا مکانیسم‌هایی را برای مقابله با تأمین مالی تروریسم تدارک بینند. گروه‌های تروریستی نیز بر همین اساس مجبور شدند تا به تنوع منابع روی آورند. چراکه همین تنوع منابع سبب می‌شد که در مواقع حساس و با مسدود شدن یا تحریم یکی یا چند منبع مالی، منابع مالی دیگر همچنان نقش

تأمین‌کنندگی خود را حفظ نمایند و سازمان با مشکل مالی مواجه نشود (Levitt, 2004). بدین‌سان و در یک جمع‌بندی متعادل می‌توان گفت بخش عمده‌ای از تلاش متنوع و گسترده گروه‌های تروریستی مزبور برای تأمین مالی، بیش از آنکه ابتکاری خودانگیخته باشد، برعکس عملی تدافعی و یا واکنشی بوده است. مثلاً زمانی که آن‌ها با سرسختانه‌ترین محدودیت‌ها بر انتقال منابع مالی خود در نظام بانکی روبه‌رو شده‌اند، بیشتر در قالب یک واکنش سیستم انتقال منابع مالی از طریق نظام حواله را برگزیدند. بدین‌سان می‌توان گفت تلاش برای متنوع سازی منابع درآمدی از سوی گروه‌های تروریستی به دلیل شدت و گستردگی اقدامات بین‌المللی و عزم راسخ دولت‌ها برای مقابله با منابع مالی گروه‌های مزبور بوده است.

۷- نتیجه‌گیری

در این مقاله ابتدا هفت شیوه اصلی تأمین مالی القاعده و همین‌طور هفت شیوه اصلی تأمین منابع مالی داعش احصاء گردید. سپس مشخص شد که این شیوه‌های تأمین منابع مالی در برخی از حوزه‌ها در میان این گروه‌ها مشابه و در برخی از دیگر حوزه‌ها متفاوت بوده است. استدلال گردید اصلی‌ترین وجه تشابه در خصوص تأمین منابع درآمدی گروه‌های تروریستی مزبور تنوع و تکثر شیوه‌های تأمین مالی بوده است. استدلال شد که اولین دلیل این تشابه، کاهش کمک‌های کلان دولتی به گروه‌های تروریستی در دهه‌های اخیر و لاجرم تلاش گروه‌های مزبور برای جایگزینی منابع خصوصی بوده است. از آنجا که حجم این شیوه از تأمین منابع مالی خصوصی پایین بوده است، گروه‌های مزبور مجبور بودند برای جبران آن، منابع مالی خود را تنوع بخشند. دلیل دوم قوانین و سیاست‌های سخت‌گیرانه دولت‌ها بود که به محض شناسایی منبع درآمد گروه‌های مزبور، آن را مسدود می‌نمودند. تنوع منابع به آن‌ها این امکان را می‌داد تا در صورت انسداد یک منبع، از سایر منابع استفاده نمایند. نکته مهم این بود که در هر دو مورد، تلاش گروه‌های تروریستی مزبور بیشتر انفعالی و واکنش به تحولات یا سیاست‌های دولت‌ها بوده است. همین‌طور نشان داده شد که علیرغم این تشابه، گروه‌های تروریستی مزبور همین‌طور شیوه‌های متفاوتی را برای تأمین منابع مالی انتخاب نموده‌اند. استدلال شد که بخشی از دلیل این تفاوت به محیط و بستری مربوط بوده است که گروه‌های تروریستی مزبور در آن عمل می‌کردند. با این حال مقاله یافته‌های ضمنی دیگری نیز داشت. اولین یافته در این بخش این بود که با در نظر

گرفتن این موضوع که شبکه تأمین منابع مالی گروه‌های تروریستی عملاً یک شبکه جهانی بسیار پهن دامنه و گسترده است که از اروپا گرفته تا آمریکا، از آسیا گرفته تا آفریقا را در بر گرفته است، تأمین منابع مالی تروریسم را نمی‌توان تنها در جغرافیای محلی یا ملی تعریف یا محدود کرد؛ چراکه این شبکه تأمین مالی همین‌طور یک شبکه جهانی نیز محسوب می‌شود. همین وضعیت ایجاب می‌کند تا کشورهای جهان هم به عنوان یک کشور و هم به عنوان عضوی از جامعه جهانی مقابله با تأمین مالی تروریسم را در دستور کار قرار دهند. اگر شبکه تأمین مالی تروریسم اکنون یک شبکه جهانی است، بنابراین مبارزه با آن نیز باید جهانی دیده شود. موضوع بعدی عدم توازن میان تلاش‌های بین‌المللی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم و تلاش گروه‌های تروریستی در این خصوص است. در حالی که سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها تلاش‌های خود را در زمینه مبارزه با تروریسم افزایش می‌دهند، اما تنوع چندانی در مقابله جدی با تروریسم به وجود نیامده است. این در حالی است که با گذشت زمان، سازمان‌های تروریستی خود را به راحتی با فن‌ها و منابع مالی جدید تطبیق می‌دهند. یافته بعدی ضرورت توجه به انعطاف‌پذیری بالای گروه‌های تروریستی در تأمین منابع مالی است. برای نمونه زمانی که داعش در اثر اقدامات صورت گرفته از سوی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی با مشکلاتی برای انتقال پول خود از طریق شبکه‌های بانکی روبه‌رو شد، سیستم حواله را برگزید. یافته چهارم ضرورت توجه به پیچیدگی‌های مقابله با تروریسم است. مثلاً درست است که ممانعت کشورها از انتقال پول از طریق شبکه بانکی میزان انتقال پول را به شدت محدود ساخت، اما از آن‌سو انتقال پول از طریق حواله در عوض نظامی از انتقال پول را فراهم ساخت که اولاً به سختی قابل ردیابی بود و ثانیاً امکان قطع این منابع بسیار دشوار بود؛ بنابراین عمل و عکس‌العمل دولت‌ها و گروه‌های تروریستی در خصوص تأمین منابع مالی تروریسم موضوع پیچیده‌ای است که دولت‌ها در زمان عمل باید عکس‌العمل گروه‌های تروریستی را نیز در نظر گیرند. نکته آخر این است که در مورد میزان تأثیرگذاری مبارزه با تأمین مالی تروریسم باید درک واقع‌بینانه‌ای داشته باشیم. مشخص است که مبارزه با تأمین مالی تروریسم موضوعی بسیار مهم و حیاتی است. با این وجود باید به خاطر داشت که مبارزه با تأمین مالی تروریسم تنها تا حد زیادی می‌تواند مانع گسترش تروریسم در جهان شود، اما قادر نیست از پیدایش آن جلوگیری کند؛ بنابراین مبارزه با تأمین مالی تروریسم بیشتر از آنکه در مقام پیشگیری از تروریسم عمل کند در مقام درمان آن عمل می‌کند. به عبارتی دیگر اینکه تروریسم چرا و چگونه

ایجاد می‌شود موضوعی نیست که مبارزه با تأمین مالی تروریسم از عهده آن برآید. بدین‌سان همان‌قدر که مقابله با شیوه‌های تأمین منابع مالی تروریسم اهمیت دارد، مبارزه با شیوه‌های پیدایش تروریسم نیز باید مهم دیده شود؛ بنابراین مشخص است که در کنار مبارزه با شیوه‌های تأمین مالی تروریسم همین‌طور باید کوشید تا منشأ و ریشه‌های پیدایش تروریسم مانند فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، مسائل هویتی، گسترش ایدئولوژی‌های افراطی و مواردی از این دست نیز مورد توجه قرار گیرند.

منابع

- اونیل، پاتریک (۱۳۸۶) *مبانی سیاست تطبیقی*، ترجمه میر ترابی، تهران: قومس.
- دری نوگورانی، حسین (۱۳۹۱) *اقتصاد تروریسم، آفاق/امنیت*، سال پنجم، شمار شانزدهم.
- ریگین، چارلز (۱۳۸۸) *روش تطبیقی*، ترجمه محمد فاضلی، تهران: آگه.

References

- Allam, Hannah "Records show how Iraqi extremists withstood U.S. anti-terror efforts," *McClatchy DC*, June 23, 2014, http://www.mcclatchydc.com/2014/06/23/231223_records-show-how-iraqi-extremists.html?rh=1.
- Ali, A. (2010). Economic cost of terrorism: A case study of Pakistan. *Strategic Studies*, 30(1 and 2).
- Bin Laden, Osama. *Interview with ABC News*. 2 January 1999. Transcript of the interview is available on-line at <http://jya.com/bin-laden-abc.htm> as of 20 September 2004.
- Blomberg, S. B., Hess, G. D., & Weerapana, A. (2007). Economic conditions and terrorism. In *The economic analysis of terrorism* (pp. 45-62). Routledge.
- Biersteker, T. J., & Eckert, S. E. (Eds.). (2007). *Countering the financing of terrorism*. Routledge.
- Campbell, J. L. (1993). The state and fiscal sociology. *Annual review of sociology*, 19(1), 163-185.
- Chou, Sophie (2017), "Terrorists launched fewer attacks in 2016. But they took twice as many hostages", at: <https://www.pri.org/stories/2017-07-10/terrorists-launched-fewer-attacks-2016-they-took-twice-many-hostages>
- Clarke, C. P. (2018). *An Overview of Current Trends in Terrorism and Illicit Finance: Lessons from the Islamic State in Iraq and Syria and Other Emerging Threats*, Santa Monica: Rand Corporation.
- De Mesquita, E. B. (2008). The political economy of terrorism: A selective overview of recent work. *The Political Economist*, 10(1), 1-12.
- Departments of the Treasury and Justice, (2003) available at <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Documents/js10102js1010.pdf>
- Enders, W., & Sandler, T. (2011). *The political economy of terrorism*. Cambridge University Press.
- Farah, D. (2007). "Al Qaeda and the gemstone trade". *Countering the Financing of Terrorism*, 193
- FATF Report (2018) "Financing of Recruitment for Terrorist Purposes", Available at <https://www.fatf-gafi.org/media/fatf/documents/reports/Financing-Recruitment-for-Terrorism.pdf>
- Freeman, M. (Ed.). (2012). *financing terrorism: case studies*. Routledge.
- Freeman, M. (2011). "The sources of terrorist financing: Theory and typology". *Studies in Conflict & Terrorism*, 34(6), 461-475.
- Frank, Allen (2001) "Bin Laden's Global Financial Reach Detailed" *CNN*. 26

- September 2001. Available on-line at <http://www.cnn.com/2001/US/09/26/inv.drug.money/index.html> as of 20 September 2004.
- Fick, Maggie (2014), "Special Report: Islamic State uses grain to tighten grip in Iraq" at: <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-wheat/special-report-islamic-state-uses-grain-to-tighten-grip-in-iraq-idUSKCN0HP12J20140930>
- Gupta (2005) Dipak, "Exploring Roots of Terrorism," in *Root Causes of Terrorism: Myths, Reality and Ways Forward*, edited by Tore Bjorgo (New York: Routledge, 2005
- Global Witness. (2003)"For a Few Dollars More: How Al Qaeda Moved Into the Diamond Trade". Available on-line at: <http://www.globalpolicy.org/security/issues/diamond/2003/Liberia-GW.pdf>
- Gunning, J. (2007). "Terrorism, charities and Diasporas: contrasting the fundraising practices of Hamas and al Qaeda among Muslims in Europe" In *Countering the financing of terrorism* (pp. 109-141). Routledge.
- Gunaratna, R. (2002). *Inside Al Qaeda: global network of terror*. Columbia University Press.
- Gomes, A. D. T., & Mikhael, M. M. (2018). "Terror or Terrorism? Al-Qaeda and the Islamic State in Comparative Perspective". *Brazilian Political Science Review*, 12(1).
- Gao,H(2013)Drug Abuse and Drug Trafficking in Asia, in *Handbook of Asian criminology*, edited by Liu, J., Heberton, B., & Jou, S. New York: Springer
- Guardian, (2010),"WikiLeaks cables portray Saudi Arabia as a cash machine for terrorists" at: <https://www.theguardian.com/world/2010/dec/05/wikileaks-cables-saudi-terrorist-funding>
- Gusovsky, Dina (2015), "Will low oil prices crush ISIS? Answer is not what you think" at: <https://www.cnn.com/2015/12/21/will-low-oil-prices-crush-isis-answer-is-not-what-you-think.html>
- Guardian, (2014), "ISIS insurgents attack Iraq's biggest oil refinery", at: <https://www.theguardian.com/world/2014/jun/18/isis-fighters-iraq-oil-refinery-baiji>
- Hague, R., & Harrop, M. (2004). *Comparative government and politics* (Vol. 6). Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Huckerby,Jayne (2019), "When Human Trafficking and Terrorism Connect: Dangers and Dilemmas", at: <https://www.justsecurity.org/62658/human-trafficking-terrorism-connect-dangers-dilemmas/>
- Harkin, J. (2016)." The Race to Save Syria's Archaeological Treasures". *Smithsonian Magazine*,. Available online: [https://www.smithsonianmag.com/history/race-save-syrias-archaeological-treasures-180958097/\(accessed on 20 April 2018\)](https://www.smithsonianmag.com/history/race-save-syrias-archaeological-treasures-180958097/(accessed on 20 April 2018)).
- Ishiyama, J. T. (2012). *Comparative Politics: Principles of Democracy and Democratization*. Wiley-Blackwell.
- Kiser, S. D. (2004). *Financing terror: an analysis and simulation for affecting Al Qaeda's financial infrastructure*. The RAND Graduate School.
- Kohn, D. (2014). "ISIS's Looting Campaign". *The New Yorker*, 14. Available At <https://www.newyorker.com/tech/annals-of-technology/isis-looting-campaign-iraq-syria>.
- Khales Joumah, "Paying for the caliphate: When extremists become bad bank managers in Mosu," Niqash, April 9, 2014,

- <http://www.niqash.org/articles/?id=3531>
- Lenain, P., Bonturi, M., & Koen, V. (2002). "The economic consequences of terrorism. OECD" *Economics Department Working Papers*, No. 334, OECD
- Landman, T. (2002). *Issues and Methods in Comparative Politics: An Introduction*. Routledge.
- Levitt, Matthew. (2004) "Hamas from cradle to grave." *Middle East Quarterly*.
- Lijphart, A. (2007). *Thinking about democracy: Power sharing and majority rule in theory and practice*. Routledge
- MacIntyre, B. (2006). "Today's weapon of war: The lucrative and deadly power of the kidnapper", *The Times* (London), 25.
- McCoy(2009)A. W., "Opium History, 1979 To 1994," available at www.a1b2c3.com/drugs/opi012.htm (accessed May 15, 2009)
- Maceda, J. (2003)." Hostage-takings are fueled by poverty", chaos. *NBC News*. Retrieved Apr. 14, 2006, from <http://msnbc.msn.com/>.
- Peters, G. (2009)." How opium profits the Taliban". Washington, DC: *United States Institute of Peace*. Vol. 31, No. 19-62.
- Powell, Colin. US Secretary of State (2001) "Remarks on Financial Aspects of Terrorism". Available on-line at: <http://www.state.gov/secretary/rm/2001/5979.htm> as of 21 September 2004
- Passas, Nikos,(2007) "Terrorism Financing Mechanisms and Policy Dilemmas," in *Terrorist Financing and State Responses: A Comparative Perspective*, edited by Jeanne Giraldo and Trinkunas, H. A. Stanford: Stanford University Press.
- Raphaeli, N. (2003). "Financing of terrorism: sources, methods, and channels". *Terrorism and Political Violence*, 15(4), 59-82.
- Roach, K. (2011). *The 9/11 effect: Comparative counter-terrorism*. Cambridge University Press.
- Rasheed, A. (2014)" Oil smuggling finances Islamic State's new caliphate" *Reuters*, 23, 2014.
- Smelser, N. J. (1967). *Mechanisms of change and adjustment to change*. Bobbs-Merrill.
- Sandler, T., & Enders, W. (2008). "Economic consequences of terrorism in developed and developing countries" *Terrorism, economic development, and political openness*, 17
- Spencer, R. (2014)." Militant Islamist group in Syria orders Christians to pay protection tax". *The Telegraph*, 27(2), 2014.
- Security Council (2014), "Resolution 2195 (2014)", S/RES/2195 (2014), at: https://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BFCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/s_res_2195.pdf
- Solomon, Erika and et.al (2015), "Inside ISIS: The journey of a barrel of oil", at: <https://ig.ft.com/sites/2015/isis-oil/>
- Sherwell, Philip (2016), "How Abu Sayyaf makes a business of beheadings as Islamist terror gang releases 'final message' hostage video", *news*, 23 MAY 2016, at: <https://www.telegraph.co.uk/news/2016/05/20/how-abu-sayyaf-the-islamist-terror-gang-made-a-business-out-of-b/>
- Thompson, Ginger (2015), "Trafficking in Terror", *The New Yorker*, at: <https://www.newyorker.com/magazine/2015/12/14/trafficking-in-terror>
- Watson, I. (2014). "Treated like cattle: Yazidi women sold", raped, enslaved by ISIS. *CNN, October, 30*, 2014.
- US Department of State, "Chapter 2: Middle East and North Africa," *Country*

- Reports on Terrorism 2013*, <http://www.state.gov/j/ct/rls/crt/2013/224823.htm>.
- Warde, I. (2007). *The Price of Fear: The truth behind the financial war on Terror*. University of California Press
- Williams, R. (2007). "The psychosocial consequences for children of mass violence, terrorism and disasters". *International Review of Psychiatry*, 19(3), 263-277.
- Yun, M. (2006). *A Study of Hostage Taking and Kidnapping in Terrorism: Prediction of the Fate of a Hostage* (Doctoral dissertation, Sam Houston State University).